



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

20/01/2013

تبصره

فارو یگانه سازمان مدافع عدالت انتقالی نیست!

هفته گذشته شخصی بنام بصیر دهمزاد گزارش مشهور "پروژه عدالت انتقالی افغانستان" که بنام "تیره گیهای سر نوشت ساز: جنایات جنگی و جنایات ضد بشری از سال 1978 الی 2001" را در سایت وزین آریائی دیده و با بکاربرد شم سیاسی خود به این نتیجه رسیده که مؤلف این گزارش سازمان فارو است. موصوف ضمن یک مقاله این "کشف" بزرگ خود را بروی کاغذ آورده و بعداً ادعا نموده که همین گزارش بر پالسی عدم پذیرش تقاضای پناهندگی (پالسی 1f) آنده از اعضای حزب دموکراتیک خلق که مظنون به جنایات جنگ اند شده است مؤثر بوده است. موصوف محاکمه سه تن از سران سازمان جهنمی خاد در هالند را نیز به همین گزارش که گویا فارو تهیه کننده آنست ارتباط داده است. در مورد این رابطه دهی های دهمزاد زیاد تبصره نمیکنیم. فقط به تذکر یک نکته اکتفا میکنم که گریز از حقایق (ولو که این حقایق برای انسان تلخ هم باشند) میتواند انسان را به خیالبافی وادارد.

ایکاش فارو افتخار اجرای تحقیقات وسیع مقدماتی در داخل افغانستان و تهیه این گزارش مبسوط در مورد جنایات جنگی سه دهه اخیر را میداشت. باید به صراحت بگوئیم که فارو محتوی این گزارش را در خطوط کلی آن تأیید میکند. هدف عمده تهیه کننده گان این گزارش برعکس آنچه که ب. دهمزاد ادعا میکند، مظنونین مقیم اروپا نه، بلکه کمک به تصویب و تطبیق عدالت انتقالی در داخل کشور بوده است. بی سبب نیست که دو ثلث این گزارش به جنایات ارتکاب یافته توسط قوماندانها و رهبران تنظیمی اختصاص داده شده است. واضحاً گزارشگران پروژه عدالت انتقالی نمیتوانستند بدون مرور مختصر بر بخش بسیار کوچک از جنایات انجام یافته در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق (1978-1992) داخل دوره حاکمیت تنظیمیها شوند.

اینکه این گزارش تکمیل نیست مورد اذعان نویسندگان آن نیز قرار دارد. در زیر عنوان این گزارش چنین میخوانیم: " تجزیه و تحلیل و ارائه مدارک از نمونه های بزرگ سوء استفاده (تخطی) در جنگهای افغانستان." این بدین معنی است که پروژۀ عدالت انتقالی چند واقعه مهم را انتخاب نموده و عمدتاً به همان وقایع پرداخته است. اگر فارو به این عنوان توضیحی توجه نمیکرد، باید گزارش را مخصوصاً بخاطر نپرداختن به اعدامهای دسته جمعی صدها زندانی سیاسی دورۀ ببرک کارمل، که سال چند بار صورت میگرفت، و ده ها مورد دیگر انتقاد میکرد.

در پهلوی این گزارش و گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر، ده ها گزارش تخلفات دورۀ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق متعلق به سازمانهای بین المللی حقوق بشر چون "کمیته حقوق بشر مؤسسه ملل متحد"، سازمان نظارت از حقوق بشر (human rights watch)، سازمان عفو بین المللی و گزارشات شعبۀ اسلام آباد UNHCR (متعلق به سالهای 1978-1992) و بلاخر یادداشتهای شعبۀ افغانستان مرکز بین المللی عدالت انتقالی حامل مواد کافی برای تثبیت نقض سیستماتیک حقوق بشروجنایات جنگی درین دوره میباشد. اگر انسانها صرف یک قدمی خود را ندیده وبا دید وسیعتر به قضایا نظر اندازی کنند، متوجه خواهند شد که فارویگانه سازمان مدافع عدالت انتقالی نیست. نقش اساسی را درین رابطه بخش وسیعی از جامعه مدنی افغانستان که همچون فاروبه داعیۀ حقوق بشر برخورد صادقانه دارند، ایفا میکنند.

فاروهیچگاه موضع خویش در رابطه به عدالت انتقالی را پنهان نکرده است. البته درپناه آزادی بیان که ما در اروپا داریم، اگر درداخل حدودقانون عمل کنیم، ضرورتی برای مخفی کاری هم موجود نیست. فارو همواره اعلام داشته است که آنانیکه مسؤولیتهای بزرگ حزبی ودولتی در رژیمها سه دهۀ اخیر داشته اند باید بخاطر جنایات رژیم خود درپیشگاه مردم و محاکم جوابده باشند. اما نسبت دادن این گزارش به فارو مخصوصاً بخاطر اینکه در عمل حقوق مؤلف یک تشکل دیگر را نقض می کند، خبط حقوقی است. امیدواریم آقای دهراد، که ادعای حقوقدان بودن هم دارد، از ارتکاب این نوع اشتباهات در آینده امتناع کند.

کمیته حقوق بشر فارو